

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

پنجم شعبان المعظم ۱۴۴۶ مطابق با ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

ميلاد خجسته چهارمین خورشید آسمان امامت و ولایت، امام زین العابدین (علیه السلام) را به پیشگاه پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرینش به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (سلام الله علیهم اجمعین) و همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و پیروی راه آن حضرت را از خدای مَنان مسئلت دارم.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَرَّهَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام ای چارمین نور الهی	کلیم وادی طور الهی
تو آن شاهی که در بزم مناجات	خدا می‌کرد با نامت مباحثات
تو را سجاده داران می‌شناسند	تو را سجده گزاران می‌شناسند
تو سجادی، تو سجاده نشینی	تو در زهد و ورع تنهاترینی

حضرت زین العابدین علیه السلام در مناجات بیست و هفتم صحیفه سجادیه از حضرت پروردگار عاشقانه درخواست می‌کند که: «اللَّهُمَّ وَأَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى وَحَظُّكَ الْأَوْفَى... وَ اغْزِلْ عَنْهُ الرِّيَاءَ وَخَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ وَ اجْعَلْ فِكْرَهُ وَ ذِكْرَهُ وَ طَعْنَهُ وَ إِقَامَتَهُ فَيْكَ وَ لَكَ؛» (صحیفه سجادیه، فیض الاسلام، دعای ۲۷، فرازهای ۱۳ و ۱۴).

خدایا! هر رزمنده‌ای از معتقدان به دین تو که به رزم برخاست، (جهادگران فرهنگی و سیاسی، نظامی و...) یا هر مجاهدی از پیروان احکام تو که به جهاد با دشمنان پرداخت تا دین تو برتر و حزب تو نیرومندتر و دستورات تو گسترده‌تر شود...، ریا و خودنمایی و خودپرستی را از او دور کن و او را از شهرت‌طلبی برهان، و فکر و ذکر و سفر و حضر او را پاک و خالص برای خودت قرار ده!

موضوع تدبر:

چرا حضرت سجاد علیه السلام، شدیداً نگرانی خود را از انحراف و خودپرستی تلاشگران عرصه جهاد و مبارزه ابراز داشته و توجه به این هشدار را به دوستان و شیعیان، سرنوشت‌ساز می‌شمارد؟

پاسخ اجمالی:

از حساس‌ترین موضوعات عصر ما که همواره نگرانی انبیا و اولیای الهی را در پی داشته است موضوع خود پرستی به جای خدا پرستی در میان خواص است. امام سجاد علیه السلام شدیداً نگرانی خود را از انحراف و خود پرستی تلاشگران عرصه جهاد و مبارزه ابراز داشته است. مراقبت از سابقه نیک و پرهیز از ریا، برای همه به‌ویژه خواص امری لازم است، به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله از دست ریا کاران امت گریه می‌کند، ترک خود پرستی با اصلاح و مراقبت نفس، امکان‌پذیر است.

تشخیص خودپرستی از خداپرستی امری حساس و ظریف است، که تشخیص آن ساده نیست، گرچه خود پرستان نشانه‌هایی دارند که در متون دینی ما به آن اشاره شده است. خداوند متعال در قرآن به ریاکاران خود پرست شدیداً هشدار می‌دهد، به ویژه به خواص، عالمان و مبلغان دینی که خطر خود پرستی و حب نفس آنان را بیش‌تر تهدید می‌کند؛ چون تأثیرگذارترند شیطان بیش‌تر روی آنان سرمایه گذاری می‌کند. امام علی‌ه‌السلام در دعای دیگری نگرانی خود را از نابود شدن سابقه اعمال نیک در اثر خودپرستی و آلودگی های بعدی این‌گونه اظهار می‌دارد: «... وَ لَا تُحِبُّ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ...» (دعای ۴۷، فراز ۱۳۱). [پروردگارا!] کارهای نیک مرا به سبب معصیت و نافرمانی که [بعداً] با آنها آمیخته می‌شود، تباه مساز!» امام خمینی قدس سره می‌فرماید: «ریا، عبارت از نشان دادن و وانمود کردن چیزی از اعمال حسنه یا خصال پسندیده یا عقاید حقه است به مردم، برای منزلت پیدا کردن در قلوب آنها و اشتها پیدا کردن پیش آنها به خوبی و صحت و امانت و دیانت بدون قصد صحیح الهی.» (شرح چهل حدیث، امام خمینی رحمه الله، ص ۳۵).

رسم عاشق نیست با یک دل دو دلبر داشتن یا ز جانان یا زجان باید که دل برداشتن

یا اسیر بند جانان باش یا در بند جان زشت باشد نو عروسی را دو شوهر داشتن

توضیح بیش‌تر مطلب:

بازگشت ریاکاری به خودپرستی است؛ چرا که در حقیقت ریاکار به دنبال تبعیت از بت نفس است، نه خداپرستی؛ بنابراین فراگیری راه‌های ترک خودپرستی و تقویت خداپرستی در وجود خداپاوران و پویندگان راه سعادت، از جمله مهم‌ترین مجاهدت‌ها محسوب می‌شود که اجمالاً به شرح برخی از موضوعات اساسی آن می‌پردازیم:

مراقبت از سابقه نیک: تکرار این دعای (دعای ۴۷، صحیفه سجادیه) حضرت سجاد علی‌ه‌السلام در خلوت و جلوت برای همه مؤمنین به‌ویژه کسانی که سوابق نیک و درخشان در زندگی خود دارند، همچون آنان که در گذشته اهل جهاد و مبارزه و فداکاری در راه احیای معارف بلند قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند، لازم و ضروری است؛ چرا که نگهداری اخلاص در عمل و محافظت از سوابق درخشان گذشته، کاری بس مشکل و فقط در سایه پناهندگی به درگاه احدیت و کسب لطف و رحمت حق، امکان‌پذیر است. حضرت علی‌ه‌السلام فرمود: «تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ؛ (بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۹۰، ح ۱)

خالص کردن عمل از خود عمل سخت‌تر است.» امام صادق علی‌ه‌السلام هم می‌فرماید: «الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ؛ (بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۳۰، ح ۶). باقی ماندن بر عمل تا خالص شود، سخت‌تر از خود عمل می‌باشد.»

امام خمینی قدس سره این روایات را چنین شرح می‌دهد: «انسان از اعمالی که می‌کند، باید مراعات و مواظبت نماید، چه در حین اتیان آن و چه بعد از آن؛ زیرا که گاه شود که انسان در حال اتیان عمل، آن را بی‌عیب و نقص تحویل دهد و خالی از ریا و عجب و غیر آن باشد، ولی بعد از عمل به واسطه ذکر آن به ریا مبتلا شود.» (شرح چهل حدیث، ص ۳۲۹)

و نیز می‌فرماید: «انسان تا آخر عمرش هیچ‌گاه از شرّ شیطان و نفس مأمون نیست. گمان نکند که عملی را که به‌جا آورد برای خدا و رضای مخلوق را در آن داخل نکرد، دیگر از شرّ نفس خبیث در آن محفوظ می‌ماند؛ اگر مواظبت و مراقبت از آن ننماید، ممکن است نفس او را وادار کند به اظهار آن. و گاه شود که اظهار آن را به کنایه و اشاره نماید؛ مثلاً نماز شب خود را بخواهد به چشم مردم بکشد، با حقه و سالوس از هوای خوب یا بد سحر و مناجات یا اذان مردم ذکری کند، و با مکاید خفیه نفس، عمل خود را ضایع و از درجه اعتبار ساقط کند. انسان باید مثل طبیب و پرستار مهربان، از حال خود مواظبت نماید و مهار نفس سرکش را از دست ندهد که به مجرد غفلت، مهار را بگسلاند و انسان را به خاک مذلت و هلاکت کشاند و در هر حال، به خدای تعالی پناه برد از شرّ شیطان و نفس اماره؛ «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»؛ (یوسف / ۵۳) «نفس آدمی او را پیوسته به بدی فرمان دهد، مگر آنکه پروردگارم رحم نماید.» (شرح چهل حدیث، ص ۳۳۰).

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

دوش می‌گفت که حافظ همه روی است و ریا بجز از خاک درش با که بود بازارم

ترک خودپرستی با اصلاح نفس: امام خمینی قدس سره در شرح حدیث اخلاص حضرت صادق علیه السلام به این نکته حساس اشاره می‌فرماید که: «طریق تخلص اعمال از جمیع مراتب شرک و ریا و غیر آن، منحصر به اصلاح نفس و ملکات آن است که آن سرچشمه تمام اصلاحات و منشأ جمیع مدارج و کمالات است؛ چنانچه اگر انسان حبّ دنیا را به ریاضات علمی و عملی از قلب خارج کند، غایت مقصد او دنیا نخواهد بود و اعمال او از شرک اعظم، که جلب انظار اهل دنیا و حصول موقعیت در نظر آنها است، خالص شود و جلوت و خلوت و سرّ و علن او مساوی شود. و اگر با ریاضات نفسانیه بتواند حبّ نفس را از دل بیرون کند، به هر مقداری که دل از خودخواهی خالی شد، خداخواه شود و اعمال او از شرک خفی نیز خالص شود. و مادامی که حب نفس در دل است و انسان در بیت مظلم نفس است، مسافر الی الله نیست؛ بلکه از مخلصین الی الارض است. و اول قدم سفر الی الله ترک حبّ نفس است.» (شرح چهل حدیث، ص ۳۳۲).

توجه به اهمیت ریاگری: حضرت سجاد علیه السلام در مورد ویژگی های اهل ایمان فرمود: «لَا يَعْمَلُ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً» (وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۱۸۶). مؤمن واقعی هرگز کارهای نیک را به‌خاطر ریا انجام نمی‌دهد. او تمام اعمالش را خالصانه برای خدای خویش انجام می‌دهد. امام صادق علیه السلام هم در معنای خلوص نیت و دوری از ریا می‌فرماید: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ» (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۳۰) عمل خالص کاری را می‌گویند که اراده نکنی جز خدا کسی برای آن از تو تقدیر و ستایش کند.

مبتغی که هستی‌اش را برای اخلاص فدا کرد: خاطره‌ای از میرزای شیرازی رحمه الله این معنا را واضح‌تر می‌نمایاند. مرحوم میرزای شیرازی بزرگ در مجلسی حضور داشت که یک پیرمرد روحانی وارد شد. مرحوم میرزا برای او احترام فوق العاده‌ای کرد؛ به‌طوری که حاضرین تعجب کردند و سبب

آن را پرسیدند. فرمود: «در این روحانی روحیه عجیبی وجود دارد؛ او هستی خود را در راه اخلاص گذاشت.»

پس از آن فرمود: «من و این شخص روحانی همدرس و هم‌بحث بودیم. پس از آنکه ایشان به درجه رفیعی از اجتهاد رسید، قصد مهاجرت به شهر خودش را نمود تا در آنجا مرجع و مقتدای مردم باشد و لیکن در بین راه به دهکده‌ای برخورد کرد که اهالی آن «علی‌اللهی» بودند؛ یعنی کسانی که علی‌علیه‌السلام را خدا می‌دانند. این عالم بزرگوار بر خود واجب شرعی دانست که در آنجا بماند تا آن مردم را از آن گمراهی به راه راست هدایت کند. او از ریاست معنوی و ظاهری مرجعیت دست شست و در آن دهکده ماند. در مسجد آنجا اعلام نمود که: مردم! من استاد و معلم شما و بچه‌هایتان هستم و اجرت و مزد هم به اندازه امرار معاش می‌گیرم و به این نحو توانست بسیاری از بچه‌ها را گرد آورد. پس ایشان مشغول تعلیم بچه‌ها به خواندن و نوشتن درس و عقاید خداشناسی و سایر برنامه‌های اسلامی شد و به اندازه‌ای این طرح نتیجه بخش بود که عده زیادی مؤمن شدند و اهالی این آبادی که همه علی‌اللهی بودند، تمامی موحد و مؤمن و خداشناس شدند.» (پندهایی از رفتار علمای اسلام، ص ۵۶)

گریه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از ریاکاران امت: شداد بن اوس از اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گوید: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را گریان دیدم. عرض کردم: چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: «إِنِّي تَخَوَّفْتُ عَلَى أُمَّتِي الشَّرْكَ أَمَّا إِنَّهُمْ لَا يَعْبُدُونَ صَنَمًا وَلَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا وَلَا حَجَرًا وَلَكِنَّهُمْ يَرَأُونَ بِأَعْمَالِهِمْ؛ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۸۰). من بر امتم از شرک و چندگانه پرستی بیمناکم! بدانید آنها بت نخواهند پرستید و نه خورشید و ماه و [قطعات] سنگ را؛ ولی در اعمالشان ریا می‌کنند [و از این طریق وارد وادی شرک می‌شوند].»

این سخن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برگرفته از قرآن کریم است که چنان به موضوع ریاکاری اهمیت داده است که آن را در ردیف شرک و بت‌پرستی قلمداد می‌کند و می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»؛ (کهف / ۱۱۰). «پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.»

ما نه رندان ریایم و حریفان نفاق آن که او عالم سرّ است بدین حال گواست

فرض ایزد بگزاریم و به کس بد نکنیم و آنچه گویند روا نیست نگوییم رواست

شناخت نشانه‌های خودپرستان: امیر المؤمنین علیه‌السلام نشانه‌های ریاکاران خودپرست را این‌گونه بیان کرده و فرمود: «ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ لِلْمُرَائِي يَنْشَطُ إِذَا رَأَى النَّاسَ وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ؛ (الكافی، محمد بن یعقوب الكلینی، ج ۲، ص ۲۹۵). برای ریاکار [خودپرست] سه نشانه است: وقتی که مردم را ببیند، بهجت و نشاط دارد و زمانی که تنها است، [اعمال نیک را با بی‌حالی انجام می‌دهد] و کسل است و در همه کارهایش دوست دارد او را تعریف و تمجید کنند.»

آن گرامی در کلام گهربار دیگری نشانه‌های افراد ریاکار و خودنما را چنین معرفی فرمود: «لِلْمُرَائِي أَرْبَعُ عِلَامَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا أَتْنَى عَلَيْهِ وَ يَنْقُصُ مِنْهُ

إِذَا لَمْ يَثْنَى عَلَيْهِ؛ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۸۰). ریا کار چهار علامت دارد: اگر تنها باشد، اعمال خود را با کسالت بهجا می‌آورد و اگر در میان مردم باشد، با نشاط انجام می‌دهد و هر گاه مردم او را مدح و ثنا گویند، بر عملش می‌افزاید و هر گاه ثنا نگویند، از آن می‌کاهد.»

تشخیص خودپرستی از خداپرستی: امام خمینی قدس سره در تشخیص خودپرستی از خداپرستی می‌فرماید: «چون این سیئه خبیثه (ریا) گاهی چنان مخفی است که انسان خودش بی‌خبر است از آن - در باطن اهل ریا است و گمان می‌کند عملش خالص است - لهذا برای آن علامت ذکر فرموده‌اند که انسان به واسطه آن علامت اطلاع بر سریره خود پیدا کند و در صدد معالجه برآید.» (شرح چهل حدیث، ص ۵۵).

ایشان در ادامه توضیحاتش می‌فرماید: «اگر انسان کارهایش محض رضای خدا یا برای جلب رحمت یا برای خوف از جهنم و شوق به بهشت است، چرا میل دارد هر کاری می‌کند، مردم مداحی او را بکنند؟ گوشش به زبان مردم و دلش پیش آنها است که ببیند کی از او مدح می‌کند، کی می‌گوید آقا چه آدم مقدس مواظب به اول وقتی مراقب مستحباتی است! حاجی آقا چه آدم صحیح درستی است! در معاملات کذا و کذا است! اگر خدا منظور است، این حب مفرط چیست؟ اگر بهشت و جهنم تو را به عمل وادار کرده است، این حب چه می‌گوید؟ ملتفت باش که این حب از همان شجره خبیثه ریا است و تا می‌توانی در صدد اصلاح برآ و خود را اگر ممکن است، از امثال این محبتها خالص کن!» (شرح چهل حدیث، ص ۵۶..)

خاطره‌ای آموزنده: امام خمینی قدس سره در دوران زندگی خویش کوچک‌ترین گامی در راه به‌دست آوردن مقام و مسند برنداشتند. عکس و رساله خود را تا روزهای آغاز نهضت (که مردم چاپ و پخش کردند) اجازه چاپ و پخش ندادند و تازه در آن شرایطی که فریاد مقلدین از نداشتن توضیح المسائل ایشان به آسمان بلند شده بود، فقط چاپ آن را اجازه دادند؛ ولی از وجوهات شرعیه صرف چاپ آن نکردند و بودجه اولین چاپ توضیح المسائل ایشان از طرف خود مردم جمع‌آوری و تأمین گردید و تا روزی که در قم می‌زیستند، حتی یک جلد رساله به‌طور رایگان در اختیار کسی نگذاشتند و اصولاً در منزل ایشان رساله یافت نمی‌شد. (تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه‌الله، سید حمید روحانی، ج ۱).

و این مصداق کلام امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عِبْدٍ أَجَلٍ مِنْ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرُهُ» (تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام، ص ۳۲۸). خداوند متعال نعمتی بزرگتر از این به بنده‌ای نداده است که در قلبش با خدا، دیگری نباشد.»

برخورد امام ششم علیه‌السلام با ریاکار: سفیان ثوری از مقدس مآبان ریاکار، در مسجد الحرام، امام صادق علیه‌السلام را دید که لباس با ارزش خوبی بر تن دارد. گفت: والله! به نزد او می‌روم و توبیخش می‌کنم...! آن‌گاه نزدیک حضرت رفت و گفت: یابن رسول الله! به خدا قسم! لباسی را پوشیده‌ای که نه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله همانندش را پوشیده، نه علی علیه‌السلام و نه هیچ‌یک از پدران! امام علیه‌السلام فرمود: «در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مردم دست به گریبان فقر و تنگدستی بودند؛ اما بعداً دنیا رو به گشایش نهاد و شایسته‌ترین اهل دنیا در استفاده از نعمت‌های فراوان الهی، نیکان می‌باشند. پس این آیه را خواند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»؛ (اعراف / ۳۲) «بگو زیورهای

را که خدا برای بندگان پدید آورده و نیز روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» حضرت ادامه داد: پس ما شایسته هستیم که آنچه را خدا عطا فرموده، مورد استفاده قرار دهیم. ای سفیان! آنچه را که می بینی من پوشیده ام، به خاطر مردم و حفظ آبرو است. آن گاه او را گرفت و لباس خود را عقب زد و لباس زیرینش را که زبر و خشن بود، نشان داد و فرمود: این را برای خودم و آن را که دیدی برای مردم پوشیدم. آن گاه لباس های ریائی سفیان را نشان داد که بر عکس امام، لباس زیرینش لطیف و لباس رویی اش خشن بود و فرمود: تو این لباس را برای مردم و لباس زیرین را که مخفی است، برای راحتی و تن پروری پوشیده ای.» (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۶۰).

تعارض خودپرستی با خداپرستی: در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می خوانیم: «كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الْإِخْلَاصَ مَنْ يَغْلِبُهُ الْهُوَى؛ (عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، ص ۳۸۳). چگونه توانایی بر اخلاص دارد کسی که هوای نفس بر او غالب است؟» در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار می خوانیم: «قَلَّ الْأَمَالُ تَخْلُصُ لَكَ الْأَعْمَالُ؛ (غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، ص ۸۲۱، ح ۲۹۰۶) آرزوها را کم کن تا اعمال تو خالص شود.» مرحوم سلطان الواعظین شیرازی نقل می کند: «زمانی که کتاب مفاتیح الجنان تازه منتشر شده بود، روزی در سرداب سامراء آن را در دست داشتم و مشغول زیارت بودم. دیدم شیخی با قبای کرباس و عمامه کوچک نشسته و مشغول ذکر است. شیخ از من پرسید: این کتاب از کیست؟ گفتم: از محدث قمی، آقای حاج شیخ عباس است و شروع به تعریف وی کردم. شیخ گفت: این قدر هم تعریف ندارد، بی خود تعریف می کنی! من ناراحت شدم و گفتم: آقا! برخیز و برو! کسی که پهلوی من نشسته بود، دست زد به پهلویم و گفت: مؤدب باش! ایشان خود محدث قمی، آقای حاج شیخ عباس هستند. من فوراً برخاستم با آن مرحوم روبوسی کردم و عذر خواستم و خم شدم که دست ایشان را ببوسم، ولی آن مرحوم نگذاشت و خم شد دست مرا بوسید و گفت: شما سید هستید.» (ستارگان حرم، جمعی از نویسندگان، ج ۴، ص ۱۷۶)

هشدار قرآن به ریاکاران خودپرست: یک انسان ارزشمدار همواره این سرزنش و هشدار شدید قرآن به ریاکار را نصب العین خود قرار می دهد که: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يَرَأَوْنَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»؛ (ماعون / ۴ - ۷) «وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند؛ همان کسانی که ریا می کنند و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می نمایند!»

شب زنده داری خودپرست: در حالات شخصی نوشته اند که شبی با خود گفت: به مسجد بروم و شبی را با اخلاص تا صبح به عبادت بپردازم. در تاریکی گوشه مسجد سرگرم نماز و ذکر و دعا بود که صدایی از گوشه مسجد به گوشش خورد. با خود گفت: لابد دیگری نیز مثل من اینجا آمده است تا عبادت کند؛ پس خوب شد، مرا می بیند و فردا برای مردم تعریف می کند که فلانی برای خدا شب زنده داری می کرد. لذا نشاطش بیش تر شد و صدایش را نازک تر کرد و با حزن بیشتری به راز و نیاز پرداخت تا اینکه صبح شد. وقتی که هوا روشن شد، دید گوشه مسجد سگی بوده که از سرما به مسجد پناهنده شده است. معلوم شد تمام شب را به خاطر سگی به عبادت گذرانده! یعنی در حقیقت او را پرستیده است. (انوار نعمانیه، محدث جزائری، ص ۳۵۱)

تأثیر خطیب خداپرست: روزی یکی از منبری هایی که در فن خطابه در سطح عالی بود، به محدث قمی اعتراض کرد که این چه منبری است که داری! پی در پی روی منبر از کتب علمای سلف مطلب نقل می‌کنی و روایات بهشت و جهنم و عذاب و عقاب می‌خوانی! چرا منبر خطابی و فنی نمی‌روی؟! محدث فرمود: شما با آن منابر خطابی و آن همه لفاظی چند نفر نمازخوان و متدین تربیت کرده‌ای؟ در حالی که به لطف الهی من با همین منبرهای ساده، چقدر نمازخوان درست کرده‌ام، چقدر افراد را به راه آورده و متنبه کرده و به توبه واداشته‌ام!» (مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۱۱، ص ۳۷۰).

دلیل عدم تأثیر و بی‌فایده بودن اعمال ریائی و خودنمایی: در کتاب شرح چهل حدیث امام خمینی قدس سره چنین آمده است: «خدای تبارک و تعالی به واسطه احاطه قدرتش در جمیع موجودات و بسط سلطنتش در تمام کائنات و احاطه قیومیش به کافه ممکنات، تمام قلوب بندگان در تحت تصرف او و به ید قدرت و در قبضه سلطنت او است و کس دیگر را در قلوب بندگان بدون اذن قیومی و اجازه تکوینی او تصرفی نیست و نخواهد بود. خود صاحبان قلب نیز بی‌اذن و تصرف حق تعالی تصرف در قلوب خود ندارند. پس خدای تبارک و تعالی صاحب قلب و متصرف در او است و شما که یک بنده ضعیف عاجز هستید، نمی‌توانید تصرف در قلوب کنید بی‌تصرف حق؛ بلکه اراده او قاهر است بر اراده شما و همه موجودات؛ پس ریا و سالوس شما اگر برای جلب قلوب عباد است و جانب دل‌ها نگاهداشتن و منزلت و قدر در قلوب پیدا کردن و اشتها به خوبی یافتن است، این از تصرف شما به‌کلی خارج و در تحت تصرف حق است. خداوند قلوب و صاحب دل‌ها به هر کس می‌خواهد، قلوب را متوجه می‌فرماید؛ بلکه ممکن است شما نتیجه به‌عکس بگیرید. دیدیم و شنیدیم اشخاص سالوس دورو که قلوب آنها پاک نبود، آخر کار رسوا شدند و آنچه می‌خواستند نتیجه بگیرند، به‌عکس اتفاق افتاد.» (شرح چهل حدیث، ص ۴۰).

پاسخ یک شبهه در باره خودپرستی: شاید افراد ظاهرین، تصوّرشان این باشد که اگر عمل انسان خوب باشد، چه فرق می‌کند، نیت او هر چه می‌خواهد باشد. فرض کنید شخصی بیمارستان، مسجد، جاده و پل یا مانند اینها را برای رفاه مردم بسازد، نیتش هر چه باشد، بالاخره عمل او نیکو است. به فرض که قصدش ریاکاری باشد، خدمت او به مردم در جای خود ثابت است. بگذاریم مردم کار خیر و خدمت کنند، نیتشان هر چه می‌خواهد، باشد. ولی این اشتباه بسیار بزرگی است؛ زیرا اولاً، هر عملی دارای دو نوع تأثیر است: تأثیری در خود انسان می‌گذارد و تأثیری در بیرون. ریاکار با عمل خود درون خود را ویران می‌سازد و از مقام والای توحید دور می‌شود و در قعر درّه شرک سقوط می‌کند؛ مردم را وسیله عزّت و احترام خود می‌بیند و قدرت خدا را به دست فراموشی می‌سپارد و این ریاکاری که نوعی بت پرستی است، سر از مفاسد بی‌شمار اخلاقی درمی‌آورد. ثانیاً، از نظر عمل بیرونی و خدماتی که به ظاهر انجام داده و قصد او تظاهر و ریاکاری بوده نیز جامعه دچار خسارت می‌شود؛ چرا که سعی او این است که ظاهر عملش را درست کند و اهمیتی به باطن عمل نمی‌دهد و چه بسا این امر سبب می‌شود که آن اسباب رفاه تبدیل به اسباب عذاب برای مردم گردد و لطمه‌های جبران‌ناپذیری از آن ببینند. به عبارت دیگر، هنگامی که جامعه‌ای عادت به ریاکاری و تظاهر کند، همه چیز او از محتوا تهی می‌شود؛ فرهنگ، اقتصاد، سیاست، بهداشت، نظم و نیروهای دفاعی همه تو خالی و تهی می‌گردد و همه جا به ظاهر سازی قناعت می‌کنند و دنبال خیر و سعادت جامعه نیستند؛ بلکه به سراغ چیزی می‌روند که ظاهر جالبی داشته

باشد و این طرز کار، ضربات هولناکی بر جامعه وارد می‌کند که بر هوشمندان مخفی و پنهان نیست. (اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۸۹).

خطر خودپرستی (حب نفس) در عالمان دینی: امام خمینی قدس سره می‌نویسد: «تحصیل علم دیانت که از مهمات اطاعات و عبادات است، انسان گاهی مبتلا می‌شود در این عبادت بزرگ به ریا؛ در صورتی که خودش هم ملتفت نیست به واسطه همان حجاب غلیظ حب نفس. انسان میل دارد در محضر علما و رؤسا و فضلا، مطلب مهمی را حل کند؛ به‌طوری که کسی دیگر حل نکرده باشد و خود او متفرد باشد به فهم آن و هر چه مطلب را بهتر بیان کند و جلب نظر اهل مجلس را بنماید، بیش‌تر مبتهج است و هر کس با او طرف شود، میل دارد بر او غلبه کند و او را در بین جمعیت خجل و سرافکنده کند و حرف خود را حق یا باطل، به حلق خصم فرو ببرد و بعد از غلبه یک نحو تدلل و فضل‌فروشی در خود ادراک می‌کند. اگر یکی از رؤسا هم تصدیق آن کند، نور علی نور می‌شود. بی‌چاره غافل از آنکه اینجا در نظر علما و فضلا موقعیت پیدا کرده؛ ولی از نظر خدای آنها و مالک الملوک همه عالم افتاد و این عمل را به امر حق تعالی وارد سنجین کردند. در ضمن، این عمل ریایی مخلوط به چندین معصیت دیگر هم بود؛ مثل: رسوا کردن و خوار نمودن مؤمن، اذیت کردن برادر ایمانی، گاهی جسارت کردن و هتک کردن از مؤمن که هر یک از آنها از موبقات و برای جهنمی کردن انسان، خود مستقل‌اند.» (شرح چهل حدیث، ص ۴۹).

از خداپرستی تا خودپرستی: امام خمینی قدس سره در ادامه رهنمود اخلاقی خویش می‌فرماید: «یکی از عبادات بزرگ اسلام، جماعت است، و فضل امامت بیش‌تر است و از این جهت، شیطان در این عبادت بزرگ بیش‌تر رخنه می‌کند و با امام جماعت بیش‌تر دشمن، و در صدد است که او را از این فضیلت باز دارد و عمل او را از اخلاص تهی کرده، وارد سنجین کند و او را مشرک به خدا نماید و لهذا وارد می‌شود در قلب بعضی از امام‌ها از طریق‌های مختلف؛ مثل «عجب» - که بعدها این شاء الله ذکری از آن می‌شود - و مثل «ریا» که آن نشان دادن به مردم است این عبادت بزرگ را برای منزلت پیدا کردن در قلوب و اشتها به عظمت و بزرگی پیدا کردن؛ مثلاً می‌بیند فلان مقدس به نماز جماعت حاضر شده است، برای جلب قلب او خضوع را بیش‌تر کرده از راه‌های مختلفی و حیل‌های کثیری او را به دام می‌کشد و در مجالس برای رساندن به غایبین مقام خود را ذکری از آن مقدس به میان می‌کشد یا یک طوری به مردم می‌رساند که فلانی در جماعات من حاضر شده. در قلب خود هم به‌طوری به این شخص ارادت پیدا کرده که در نماز او حاضر شده است و اظهار حب و اخلاص به او می‌کند که در عمرش به خدای تعالی و اولیاء او یک لحظه نکرده، خصوصاً اگر از تجار محترم باشد! و اگر خدای نخواستہ یکی از اشراف راه را گم کرده به صف جماعت ملحق شود، مصیبت زیاده‌تر می‌گردد! در عین حال، شیطان از امام جماعت کم جمعیت نمی‌گذرد؛ پیش او رفته به او می‌گوید: به مردم بفهمان که من از دنیا گذشته‌ام و در مسجد کوچک محله با فقرا و ضعفا می‌گذرانم! این هم مثل آن یا بدتر است؛ زیرا که رذیله حسد را هم در قلب او بارور می‌کند. از دنیا که بهره‌ای ندارد، مایه آخرت را از او می‌گیرد، ورشکست در دنیا و آخرت می‌شود.» (شرح چهل حدیث، ص ۴۹ - ۵۰)

هشدار به مبلغان: امام خمینی قدس سره در ادامه با دلسوزی تمام توصیه می‌کند: «باید به خدای تعالی از شرّ مکاید نفس پناه ببریم که مکاید آن خیلی دقیق است؛ ولی اجمالاً می‌دانیم که اعمال ما خالص نیست. اگر ما بنده مخلص خداییم، چرا شیطان در ما این قدر تصرف دارد؟ با آنکه او با خدای خود عهد کرده است که به «عباد الله المخلصین» کار نداشته باشد و دست به ساحت قدس آنها دراز نکند. (اشاره است به آیه مبارکه «قَالَ... لَاغْوِيَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ»؛ «ابلیس گفت: خدایا!... همه آنان را همراه کنم، مگر بندگان خالص تو را.» (حجر / ۴۰ - ۴۱). به قول شیخ بزرگوار ما (مرحوم آیت الله شاه آبادی) - دام ظلّه - شیطان، سگ درگاه خدا است، اگر کسی با خدا آشنا باشد، به او عوعو نکند و او را اذیت نکند. سگ در خانه، آشنایان صاحبخانه را دنبال نکند. شیطان نمی‌گذارد کسی که آشنایی با صاحبخانه ندارد، وارد خانه شود. پس اگر دیدی شیطان با تو سر و کار دارد، بدان کارهایت از روی اخلاص نیست و برای حق تعالی نیست. اگر شما مخلص‌اید، چرا چشمه‌های حکمت از قلب شما به زبان جاری نشده با اینکه چهل «سال» است به خیال خود قربۀ الی الله عمل می‌کنید؟! پس بدان اعمال ما برای خدا نیست و خودمان هم ملتفت نیستیم و درد بی‌درمان همین جا است.» (شرح چهل حدیث، ص ۵۲).

وای به حال عالمان خودپرست: وای به حال اهل طاعت و عبادت و جمعه و جماعت و علم و دیانت که وقتی چشم بگشایند و سلطان آخرت خیمه بر پا کند، خود را از اهل معاصی کبیره، بلکه از اهل کفر و شرک، بدتر ببینند و نامه اعمالشان سیاه‌تر باشد! کسی که ریاست دینی خود و امامت خود، تدریس خود، تحصیل خود، روزه خود، نماز خود و بالاخره اعمال صالحه خود را ارائه به مردم دهد برای منزلت در قلوب، مشرک است و به موجب اخبار اهل بیت عصمت - صلوات الله علیهم - و به موجب آیه شریفه مشمول غفران حق نمی‌شود. پس‌ای کاش اهل معاصی کبیره بودی و متجاهر به فسق بودی و متهتک حرمت ظاهره بودی و موحد بودی، شرک به خدا نمی‌آوردی!» ((شرح چهل حدیث، ص ۵۳).

همایی چون تو عالی‌قدر حرص استخوان تا کی دروغ آن سایه همت که بر نااهل افکندی

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة